

نقدی بر انگاره حرمت توقف حائض در مشاهد مشرفه

دکتر محمد عربشاهی (نویسنده مسئول)

استادیار پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران

arabshahi@islamic-rf.ir

دکتر محمود ملکی

استادیار پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران

سید مجتبی صدیقیان کاخکی

طلبه سطح چهار فقه و اصول مدرسه علمیه نواب، مشهد، ایران

چکیده

احترام به مشاهد مشرفه همواره نزد شیعیان اهمیت ویژه‌ای داشته است. شماری از فقیهان امامی با تأکید بر قداست این اماکن، آن‌ها را در حکم مساجد دانسته و همانند مساجد، عبور زنان حائض از آن‌ها را جایز، و توقف ایشان در آن‌ها را حرام دانسته‌اند. ادله این دیدگاه عبارتند از صدق عنوان مسجد بر مشاهد، برتری آن‌ها نسبت به سایر مساجد، وجوب تعظیم، سیره متشرعه، و برخی روایات ناظر به نهی از ورود جُنُب به خانه‌های پیامبران و امامان علیهم‌السلام.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به نقد این ادله پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد بخشی از مستندات یادشده روایی‌اند و آنها یا از نظر سند ضعیف‌اند و یا از حیث دلالت، برای اثبات حرمت کافی نیستند؛ بخشی دیگر نیز غیرروایی‌اند که صرفاً از جهت دلالت، توان اثبات حرمت را ندارند.

افزون بر آنکه اصل عملی نیز بر نفی حرمت دلالت دارد. با این حال، هرچند این ادله توان اثبات حرمت را ندارند، اما می‌توانند مستند مناسبی برای اثبات کراهت توقف زن حائض در مشاهد مشرفه باشند؛ مشروط بر آنکه حضور، به قصد هتک نبوده و از نظر عرفی نیز هتک‌آمیز تلقی نشود، وگرنه به دلیل عنوان ثانی هتک، مشمول حرمت خواهد بود. در فرض قوی دانستن و پذیرش این ادله، باید مشاهد مشرفه را ملحق به مسجدالحرام و مسجدالنبی دانست؛ در این صورت، نه تنها توقف، بلکه عبور زنان حائض نیز از آن‌ها حرام خواهد بود.

واژگان کلیدی: مشاهد مشرفه، حرم امامان، حائض، جُنُب، ورود و توقف

مقدمه

احترام به مشاهد مشرفه (حرم‌های اهل بیت علیهم السلام) همواره مورد اهتمام و تاکید شیعه بوده و هتک حرمت آنها، حرام تلقی می‌شود.

با این حال، در تعیین مصادیق احترام و هتک حرمت مشاهد، میان فقیهان امامیه اختلاف نظر وجود دارد. یکی از موارد محل اختلاف، ورود و توقف حائض در مشاهد مشرفه است.

در منابع روایی^۱ و نیز کتب فقهی قدمای امامیه^۲ درباره ورود حائض به مساجد، نصوصی صریح وجود دارد که از ورود حائض و جُنُب به مسجد، مگر در حال عبور، نهی می‌کند.^۳

با این حال، هیچ روایت خاص و مستقلى درباره ورود یا توقف حائض در مشاهد مشرفه یافت نمی‌شود. اما شماری از فقیهان معاصر، آنرا ممنوع شمرده‌اند.

فقهایی که به طور خاص درباره توقف حائض در مشاهد مشرفه سخن گفته‌اند بر چند دسته‌اند: برخی فقیهان همانند آیات آل‌عصفور، فاضل و سند، با الحاق مشاهد مشرفه به حکم مساجد، فتوی به حرمت توقّف حائض در مشاهد مشرفه و جواز عبور او داده‌اند.^۴

گروهی دیگر مانند آیات سیستانی، سید محمود شاهرودی، سید حسن قمی، سید تقی قمی^۵، موسوی سبزواری^۶، مکارم شیرازی^۷، فیاض^۸ و موسوی اردبیلی^۹ توقّف را حرام و عبور را نیز بنابر احتیاط واجب جایز نمی‌دانند.

آیت‌الله شبیری زنجانی^{۱۰} و آیت‌الله مرعشی نجفی^{۱۱} مشاهد را در حکم مسجدالحرام و مسجدالنبی دانسته و فتوا به حرمت مطلق توقّف و عبور حائض در مشاهد مشرفه داده‌اند.

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۸۷/۱؛ ابن حیون، دعائم الإسلام، ۱۲۸/۱.

۲. صدوق، الهدایه، ۹۷.

۳. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۸۷/۱ و ۲۳۸؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۷۰/۱.

۴. آل عصفور، سداد العباد و رشاد العباد، ۱۸؛ طباطبایی یزدی، عروة الوثقی مع تعلیقات آیت الله فاضل لنکرانی، ۲۱۵/۱؛ سند، سند العروة الوثقی، ۳۶۰/۴.

۵. طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ۳۳۸/۴.

۶. موسوی سبزواری، مهذب الأحکام، ۳۷/۳.

۷. طباطبایی یزدی، عروة الوثقی مع تعلیقات مکارم، ۲۶۰/۱.

۸. فیاض، تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی، ۱۲۷/۲.

۹. طباطبایی یزدی، عروة الوثقی مع تعلیقة آیت الله موسوی اردبیلی، ۲۰۳/۱.

۱۰. شبیری زنجانی، استفتانات، ۱۶۸.

۱۱. مرعشی نجفی، منهاج المومنین، ۹۷/۱.

عده ای نیز همچون آیات اصفهانی^{۱۲}، تبریزی^{۱۳}، علوی گرگانی^{۱۴} و گرامی^{۱۵} بنابر احتیاط واجب حتی عبور از آنها را برای حائض جایز نمی دانند.

در مقابل، شماری از فقها مانند موسوی عاملی^{۱۶} و محقق سبزواری^{۱۷} در الحاق مشاهد به حکم مساجد توقف کرده و نظری قطعی ابراز نکرده اند.

باصرف نظر از ادله و اقوال، درباره مشاهد مشرفه سه احتمال وجود دارد: نخست اینکه این مشاهد همانند مسجد الحرام و مسجد النبی هستند؛ بنابراین حتی عبور بدون توقف از آنها حرام است. دوم اینکه حکم آنها همانند سایر مساجد است؛ بنابراین عبور از آنها بدون توقف جایز است. سوم اینکه این اماکن حتی به سایر مساجد نیز ملحق نمی شوند و حکم به حرمت توقف در آنها جاری نیست.

در این نوشتار، با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعه اسناد کتابخانه ای (منابع فقهی و حدیثی امامیه)، دیدگاه قائلان به حرمت توقف حائض در مشاهد مشرفه را بررسی، و مستندات آنان نقد و ارزیابی خواهد شد. با توجه به فقدان پژوهش های اختصاصی در این زمینه، از یک سو، و ابتلای عملی و نظری مسئله از سوی دیگر، واکاوی مبانی این فتوا و تحلیل ادله ای آن از اهمیتی ویژه در گفتمان فقه زیارت برخوردار است.

۱. سیر تاریخی انگاره حرمت توقف حائض در مشاهد مشرفه

در هر پژوهش فقهی، بررسی دیدگاه فقیهان پیشین از اهمیت بنیادین برخوردار است؛ چراکه تحلیل سیر تاریخی فتواها، هم در کشف مبانی استنباطی آنان مؤثر است و هم در ارزیابی اعتبار و استحکام انگاره های فقهی متأخران. در مسئله ای حاضر نیز بازخوانی نظر قدما درباره الحاق مشاهد مشرفه به مساجد و حکم توقف حائض، در روشن ساختن جایگاه این حکم و میزان قوت آن نقشی تعیین کننده دارد.

الحاق مشاهد به مساجد در بسیاری از کتب فقهی قدما دیده نمی شود از برخی عبارات^{۱۸} بدست می آید نخستین فقیهانی که به حرمت توقف حائض و جواز عبور او از این اماکن فتوا داده اند، ابن جنید اسکافی و سپس شیخ مفید هستند. پس از این دو، این

^{۱۲}. اصفهانی، وسیلة النجاة، ۱/۱۴.

^{۱۳}. تبریزی، تنقیح مبانی العروة (الطهارة)، ۵/۳۱۷.

^{۱۴}. علوی گرگانی، المناظر الناضرة في أحكام العترة الطاهرة (الطهارة)، ۴/۶۱.

^{۱۵}. گرامی قمی، المعلقات على العروة الوثقى، ۱/۳۸۵.

^{۱۶}. موسوی عاملی، مدارک الاحکام في شرح شرائع الإسلام، ۱/۲۸۲.

^{۱۷}. محقق سبزواری، ذخيرة المعاد، ۱/۵۲.

^{۱۸}. شهید اول، موسوعة الشهيد الأول، ۵/۲۲۳.

مسئله تا چند قرن، میان فقیهان مسکوت ماند، تا آنکه شهید اول^{۱۹} و شهید ثانی^{۲۰} و سپس فقیهان بعدی، بار دیگر آن را مطرح کرده و این الحاق نیکو شمرده است چرا که هم فایده مسجد را دربردارد و نیز شرافت مشاهد به دلیل امام مدفون، بیشتر است. آنچه از شیخ مفید در العزیه و از ابن جنید نقل شده است، و نیز عبارت شهید اول^{۲۱} در حرمت توقف و جواز عبور، صراحت ندارد؛ زیرا در عبارات آنان واژه «یکره» آمده است که در کراهت اصطلاحی ظهور دارد، مگر آن که تعلیلی که بیان کرده اند نیز لحاظ شود. تعلیل آنان این است که معنای مسجد، بلکه فراتر از آن، در مشاهد مشرفه تحقق دارد. همین عدم صراحت، موجب شده است که برخی، نخستین کسی که این قول را اختیار کرده، شهید ثانی بدانند.^{۲۲}

از کتاب دیگر شیخ مفید بر می آید که ایشان قائل به نظری متفاوت بوده اند؛ زیرا تصریح می کند که برای حائض جایز نیست به قبر پیامبر (ص) و قبور امامان نزدیک شود یا وارد مسجد الحرام، مسجد النبی و سایر مساجد گردد.^{۲۳} البته شیخ مفید در المقنعه به جواز عبور و حرمت توقف حائض در مسجد تصریح کرده است. و نسبت به مشاهد مشرفه هیچ اشاره ای ندارد با اینکه در مقام شمارش محرمات بر حائض است.^{۲۴}

این تفاوت بیان، می تواند حاکی از آن باشد که شیخ مفید در این اثر، یا به حرمت توقف در مشاهد قائل نبوده، یا در تعمیم حکم مسجد به مشاهد تردید داشته است.

افزون بر این، به دلیل نامشخص بودن تقدم و تأخر زمانی تألیف این دو اثر، نمی توان با اطمینان، فتوای نهایی شیخ مفید را در این مسئله مشخص کرد.

پس از شهید ثانی، مقدّس اردبیلی از فقهای متأخر به این بحث پرداخته است. وی پس از نقل عبارت علامه حلی درباره حرمت توقّف حائض در مسجد، می نویسد: کراهت عبور در مساجد بعید نیست، اما اصل بر اباحه آن است و روایت نیز بر جواز دلالت دارد؛ در حالی که منع (حرمت) بیشتر به جهت تعظیم تلقی شده و از این رو، مشاهد به مساجد ملحق گردیده است. بنابراین، کراهت محتمل است، و حکم به حرمت به دلیل جریان اصل و منع از قیاس صحیح نیست.^{۲۵} در ادامه، مرحوم عاملی پس از اشاره به مبنای شهیدین در الحاق مشاهد به مساجد، در این مسئله توقّف کرده اند.^{۲۶} صاحب

^{۱۹} شهید اول، موسوعة الشهيد الأول، ۲۰/۹ و ۲۱؛ ۲۲۳/۵.

^{۲۰} شهید ثانی، روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان، ۲۲۳/۱؛ المقاصد العلية في شرح الرسالة الألفية، ۷۴/۱.

^{۲۱} شهید اول، موسوعة الشهيد الأول، ۲۲۳/۵.

^{۲۲} بحر العلوم، مصابيح الأحكام، ۲۶۵/۲.

^{۲۳} مفید، أحكام النساء، ۲۰.

^{۲۴} مفید، المقنعه، ۵۴.

^{۲۵} اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، ۱۵۳/۱.

^{۲۶} موسوی عاملی، مدارک الاحکام في شرح شرائع الإسلام، ۲۸۲/۱.

حدائق نیز به ذکر اقوال بسنده کرده است.^{۲۷} رویکرد عالمان این دوران می‌رساند از نگاه آنان ادله حرمت توقف حائض از قوت برخوردار نبوده‌اند.

علامه مجلسی پس از استنباط حرمت دخول جنب در مشاهد مشرّفه از روایت بُکیر و اشاره به عمومات تکریم و تعظیم ائمه علیهم‌السلام به‌عنوان مؤید، بر این باورند حائض و نفساء نیز بنابر احتیاط نباید وارد مشاهد مشرّفه شوند.^{۲۸} در حدود یک قرن این بحث در کتب فقهای امامیه خاموش گردید تا آنکه آل عصفور بر لزوم غسل بر حائض برای توقف در مساجد و مشاهد مشرّفه تصریح نمود.^{۲۹}

سید بحرالعلوم با نام بردن از فقیهانی که پیش‌تر ذکر شدند، تصریح می‌کند سایر فقهای قدیم و متأخر هیچ‌یک متعرض این حکم، چه در مقام اثبات و چه در مقام نفی، نشده‌اند.^{۳۰}

تصریح ایشان مبنی بر اینکه بسیاری از فقها اصلاً متعرض این حکم نشده‌اند، شاهد روشنی است بر این نکته که «حرمت توقف در مشاهد» انگاره‌ای غالب و مستقر در فقه امامیه نبوده است.

البته در همین دوران، شیخ جعفر کاشف‌الغطاء الحاق مشاهد مشرّفه به مساجد در حرمت توقّف زن حائض را پذیرفته است. وی در مقام استدلال می‌نویسد: این اماکن مشرّفه محل عبادت و نمازند و معنای مسجدیّت چیزی جز این نیست؛ افزون بر آن، روایاتی نیز این معنا را تأیید و به آن نزدیک می‌سازند، هرچند برای اثبات حرمت به‌تنهایی کافی نباشند.^{۳۱}

تا آنکه صاحب جواهر مشاهد مشرّفه را در حکم مساجد دانست و حرمت توقّف و جواز عبور زن حائض را به آن‌ها الحاق نمود. البته وی بر این باور است ممکن است مشاهد مشرّفه را به مسجدالحرام و مسجدالنبی ملحق کرد؛ در این صورت، نه‌تنها توقّف، بلکه عبور از آن‌ها نیز حرام خواهد بود. استدلال ایشان آن است که ملاک حرمت، شرافت و لزوم تعظیم است، و مشاهد مشرّفه در این شرافت و تعظیم بر سایر امور اولویّت دارند.^{۳۲} از عبارات شاگرد ایشان، شیخ انصاری نیز می‌توان بدست آورد که ایشان نیز قائل به حرمت توقف حائض در مشاهد مشرّفه‌اند. پس از ایشان به تدریج انگاره حرمت توقف حائض در میان فقهای معاصر تثبیت گردید.

^{۲۷} بحرانی، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ۲۷۶/۳.

^{۲۸} مجلسی، بحار الأنوار، ۱۳۰/۹۷.

^{۲۹} آل عصفور، سداد العباد و رشاد العباد، ص ۱۸.

^{۳۰} بحرالعلوم، مصابیح الأحكام، ۲۶۴/۲.

^{۳۱} کاشف‌الغطاء، شرح طهارة القواعد، ص ۱۴.

^{۳۲} نجفی، جواهر الکلام، ۲۲۲/۳.

۲. ادله حرمت توقف حائض در مشاهد مشرفه

۲/۱. تحقق حقیقت مسجد در مشاهد

مشاهد مشرفه مسجد می باشند زیرا در روایتی آمده است «بیوتنا مساجد»^{۳۳} بنابراین حائض و جُنُب نباید وارد آن شوند. با قطع نظر از این روایت می توان گفت این مشاهد، واجد روح مسجد بلکه ماهیت آن هستند؛ زیرا مسجد و بیت الله، مکان ذکر و عبادت خداوند است^{۳۴} و در این مشاهد نیز ذکر و عبادت خداوند صورت می گیرد؛ از این رو نه تنها از جهت احترام و شرافت، بلکه از جهت فقهی نیز، مشاهد در حکم مسجد خواهند بود و حکم حرمت دخول جُنُب، همچون مساجد، درباره آنها جاری است. بر این اساس شهید اول فرموده شیخ مفید و ابن جنید در مسئله حرمت توقف جُنُب و حائض و کراهت عبور آنها از مشاهد مشرفه، این اماکن مقدّس را در حکم مساجد دانسته اند و این الحاق، بر پایه ی تحقق معنای مسجدیت و حتی افزون بر آن، موجه و مستحسن به نظر می رسد.^{۳۵}

همچنین از روایت «رشته» بدست می آید مناط مسجدیت و در نتیجه حرمت توقف در مسجد، وجود مدفن معصوم (نبی یا وصی) در آن است. از این رو گفته شده سرّ فضیلت نماز در مسجد، وجود قبر معصوم در آن است.^{۳۶} به تعبیر دیگر عنوان مسجد در مشاهد محقق است زیرا مسجد بنا نمی شود مگر بر قبر معصوم یا زمینی که قطره ای از خون معصوم بر آن ریخته شده است. در این روایت آمده است امام صادق علیه السلام فرمودند «فَمَا مِنْ مَسْجِدٍ بُنِيَ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ قُتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَسَةً مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا»^{۳۷}

با توجه به مفهوم این روایت، سبب اینکه مکانی مسجد می شود آن است که خون پیامبر یا وصی او در آنجا ریخته شده است لذا خداوند دوست دارد در آن مکان عبادت شود.^{۳۸}

نقد و بررسی:

اولا روایت نخست (بیوتنا مساجد)، در منابع حدیثی وجود ندارد و آنچه آمده است این است که امام صادق علیه السلام^{۳۹} و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله^{۴۰} از قول خداوند در تورات فرموده اند: «بیوتی فی الأرض المساجد». این روایت، علاوه بر ضعف

^{۳۳}. فاضل مقداد، تنقیح الرائع، ۴/۴۶۰؛ نجفی، جواهر الکلام، ۳۱/۴۳، موسوی سبزواری، مهذب الأحكام، ۳۷/۳.

^{۳۴}. نور/۳۶.

^{۳۵}. شهید اول، موسوعة الشهيد الأول، ۲۰/۹ و ۲۱/۵؛ ۲۲۳/۵.

^{۳۶}. آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۱۴۳/۴.

^{۳۷}. آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۵۷/۵.

^{۳۸}. کلینی، الکافی، ۳/۳۷۰ و ۳۷۱.

^{۳۹}. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵)، کتاب الطهارة، ۵۸۹/۲.

^{۴۰}. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۲۳۹/۱.

^{۴۱}. برقی، المحاسن، ۴۷/۱.

سند و ارسال، از حیث دلالت نیز با مشاهد مشرفه یا منازل اهل بیت علیهم السلام ارتباطی ندارد؛ از این رو، استناد به آن در الحاق احکام میان این دو، فاقد اعتبار لازم است.

ثانیاً مشاهد مشرفه از نظر موضوعی و حقیقت شرعی، در زمره «مساجد» محسوب نمی‌شوند زیرا در عرف و شرع این اماکن به این نام (مسجد) نامیده نمی‌شوند و سلب عنوان «مسجد» از مشاهد ممکن است و مانع عقلی یا عرفی ندارد.

ثالثاً، مسجدیت صرفاً به کسب ثواب عبادت در آن مکان وابسته نیست بلکه عنوان مسجد متوقف بر «وقف برای اقامه نماز» است، در حالی که مشاهد مشرفه چنین وقفیتی در اصل تأسیس خود ندارند. حتی اگر این مشاهد در برخی شئون و فضائل با مساجد شریک باشند، یا حتی برتر از آن‌ها تلقی شوند، این اشتراک فضیلت، موجب الحاق موضوع فقهی نخواهد بود؛ چرا که نماز در مشاهد هدف فرعی است نه اصلی؛ لذا اگر کسی نذر کند در مسجد نماز بخواند، اقامه‌ی نماز در مشاهد مشرفه، موجب امتثال نذر نخواهد شد؛ همچنین اگر مالی بر مصالح مسجد وقف شود، صرف آن در مشاهد جایز نیست.^{۴۲} بنابراین، چون حکم فقهی (مانند حرمت دخول بر جنب یا حائض) بر عنوان «مسجد» متوقف است، لازم است موضوع دقیقاً همان چیزی باشد که در نص آمده، نه موضوعاتی مشابه یا اشرف از آن، مگر اینکه نص صریح در این باره وجود داشته باشد در حالیکه چنین نصی نداریم.^{۴۳}

حدیث رشته نیز از حیث سند ضعیف و مرسل، و پذیرش مضمون آن نیز مشکل است، بنابر فرض پذیرش روایت، مفاد آن صرفاً دلالت بر این دارد که "هر مسجدی که بر قبر نبی یا وصی بنا شده، مسجد است؛ اما به هیچ وجه نمی‌توان از آن استفاده کرد که هر بنایی که بر قبر نبی یا وصی قرار دارد، لزوماً حکم مسجد را دارد".

از این رو، نمی‌توان صرف بنای مشهد یا گنبد بر قبر معصوم را موجب تحقق عنوان "مسجد" و ترتب احکام آن دانست، مگر آن که قرینه‌ای بر تأسیس آن به عنوان مسجد، با قصد صریح وقف و عبادت، در دست باشد.

همچنین گفته شده این روایات ناظر به علت تکوینی مسجد شدن آن مکان‌هاست، نه بیان ملاک تشریع احکام مسجد. به همین دلیل، توقف جنب در زمینی که می‌دانیم در آینده به عنوان مسجد وقف خواهد شد، جایز است؛ چنان که دیگر احکام خاص مسجد نیز بر اماکنی چون مشاهد مشرفه مترتب نمی‌گردد.^{۴۴}

علاوه بر اینکه می‌توان گفت لسان این روایت، تشویق به ساخت مسجد است و می‌رساند بنای مساجد در پرتو هدایت و تبلیغ نبی و وصی ایشان و برکت شهادت آنان شکل گرفته، نه به سبب خون محسوس و ظاهری ایشان.^{۴۵}

2.2. افضلیت مشاهد نسبت به مساجد در روایات

پاداشی که در برخی روایات برای عبادت در برخی مشاهد مشرفه، از جمله مرقد امیرالمؤمنین (ع)، ذکر شده است بیشتر از پاداش عبادت در مساجد است.^{۴۶} در یک روایت، ثواب نماز در جوار آن حضرت، برابر با دو هزار نماز ذکر شده؛ در حالی که

^{۴۲} بحرالعلوم، مصابیح الأحکام، ۲۷۱/۲، شهید اول، موسوعة الشهيد الأول، ۲۲۱/۱۰.

^{۴۳} بحرالعلوم، مصابیح الأحکام، ۲۷۱/۲.

^{۴۴} طباطبایی حکیم، مصباح المنهاج (الطهارة)، ۴۱۷/۳.

^{۴۵} محقق داماد، کتاب الصلاة، ۱۷۵/۳.

^{۴۶} ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۸ و ص ۲۵۱؛ مدینه العلم شیخ صدوق به نقل از شلال، ابواب الجنان و بشائر الرضوان، ص ۲۰۴.

نماز در مسجد کوفه که از برترین مساجد پس از مسجدین است، تنها معادل هزار نماز شمرده شده است.^{۴۷} این تفاوت در فضیلت، گویای مرتبه‌ی بالاتر مشاهد از حیث قداست و شرافت است.

به بیان دیگر مشاهد معصومان باید همانند مساجد، بلکه به دلیل اولویت، با حرمت بیشتری تلقی شوند؛ چرا که از یک سو، مشاهد دارای برخی آثار و فوائد مکانی مشابه مساجد هستند، مانند ذکر و عبادت. از سوی دیگر، به لحاظ انتساب به معصومان، شرافتی افزون‌تر نسبت به مساجد دارند. بنابراین حرمتی که در توقف حائض در مشاهد مشرفه است شدیدتر از جُنُب می باشد.

۴۸

نقد و بررسی:

از دیدگاه نگارندگان این استدلال نیز با اشکال مواجه است؛ زیرا بر فرض پذیرش این روایات و با قطع نظر از اینکه افضلیت مکانی، دلالت بر کثرت ثواب دارد، نه بر تکلیف الزامی، تسری حکم مسجد به مشاهد، مبتنی بر پذیرش آن است که ملاک حرمت در مسجد، شرافت مکانی باشد، در حالی که چنین نیست. حکم فقهی مسجد بودن، فرع بر تحقق عنوان "مسجد" به معنای شرعی آن است، نه صرفاً مکان شریف یا مقدس. بنابراین، افضلیت، کثرت ثواب و شرافت بیشتر مشاهد نسبت به مسجد، به تنهایی برای الحاق کفایت نمی کند.^{۴۹}

به دیگر سخن، استدلال به «اولویت به خاطر شدت قداست»، نوعی قیاس یا تنقیح مناط ظنی است که در منظومه فقه شیعه فاقد حجیت بوده و نمی تواند پایه گذار توسعه‌ی حکم شرعی گردد.

همین افضلیت و شدت قداست، در مورد منازل معصومان در زمان حیاتشان نیز صادق است؛ و با وجود آن، جُنُب یا حائض در منازل ایشان حضور داشته اند.

افزون بر آن، برخی بر این باورند اگر بنا بر پذیرش اولویت باشد، مشاهد باید به دو مسجد شریف (مسجدالحرام و مسجدالنبی) که افضل مساجد هستند ملحق شوند؛ زیرا در اعتقاد شیعی، مشاهد ائمه علیهم السلام، شریف ترین بقاع زمین اند. لازمه‌ی چنین قیاسی آن است که حتی عبور از مشاهد برای جُنُب نیز مانند مسجدالحرام و مسجدالنبی حرام باشد،^{۵۰}

۳/۲. وجوب تعظیم مشاهد مشرفه

تعظیم ائمه علیهم السلام واجب است و توقف جُنُب یا حائض در این اماکن، با شأن تعظیم آن‌ها منافات دارد و از این رو ممنوع دانسته شده است.^{۵۱}

نقد و بررسی:

^{۴۷}. طباطبایی، مبانی منهج الصالحین، ۳۱۶/۴؛ طباطبایی یزدی، عروة الوثقی مع تعلیقات آیت الله فاضل لنکرانی، ۴۰۲/۲؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ۱۸۱.

^{۴۸}. شهید ثانی، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، ۲۲۳/۱.

^{۴۹}. آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۱۴۳/۴.

^{۵۰}. بحرالعلوم، مصابیح الأحکام، ۲۷۰/۲.

^{۵۱}. آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۱۴۳/۴.

از دیدگاه نگارندگان تعظیم، یک امر قصدی است و تابع نیت و انگیزه درونی است. از این رو، ممکن است توقف جُنُب یا حائض در حرم معصوم با نیت تعظیم و تبرک انجام شود، مانند کسی که وقت محدودی برای زیارت دارد و امکان غسل برایش فراهم نیست. در این صورت، فعل او نه تنها با تعظیم منافات ندارد، بلکه خود مصداق تعظیم خواهد بود.^{۵۲} بدین جهت لزوم تعظیم مشاهد مشرفه اقتضای وجوب غسل بر حائض و جُنُب را ندارد و در مسجد نیز اگر روایتی نبود غسل واجب نمی شد.^{۵۳}

افزون بر این، تعظیم امری مستحب است و دلیل شرعی بر وجوب آن به صورت مطلق، وجود ندارد. به عنوان نمونه با وضو وارد شدن محدث به حدث اصغر، به مشاهد مشرفه نوعی تعظیم است لکن واجب نیست گرچه زیارت بدون وضو و با وضو از جهت تعظیم یکسان نیستند.

البته بدیهی است هتک حرمت، حرام است بنابراین چنانچه ترک تعظیم یا ورود و توقف حائض، به حد هتک و توهین شرعی و عرفی برسد، در آن صورت حرام خواهد بود.

۲/۴. روایات نهی از ورود جُنُب به خانه‌های پیامبران و اهل بیت در زمان حیات آنان

در برخی روایات از دخول جُنُب به خانه های اهل بیت در زمان حیاتشان نهی شده است و از آنجا که حرمت آن بزرگواران در حال ممات، همانند حرمت ایشان در حال حیات است، این حکم را به مشاهد پس از وفات نیز تعمیم داده‌اند.^{۵۴}

در روایتی بکر بن محمد نقل می کند به قصد منزل امام صادق علیه السلام از مدینه خارج شدیم و در میانه راه ابوبصیر با ما همراه شد در حالیکه او جُنُب بود و ما نمی دانستیم تا اینکه وارد منزل امام شدیم امام صادق (ع) به ابی بصیر فرمود: «آیا نمی دانی شایسته نیست جُنُب وارد خانه‌های پیامبران شود؟»^{۵۵}

و نیز در روایت جابر جعفی از امام سجاده (ع) آمده است حضرت فرمود، مردی اعرابی در حال جنابت بر امام حسین علیه السلام وارد شد، امام به او فرمودند «آیا شرم نمی کنی که در حالی که جُنُب هستی، بر امام خود وارد می شوی؟»^{۵۶}

در تأیید این دیدگاه، می توان به نحوه ی زیارت نامه ها و دعا های مأثور از اهل بیت علیهم السلام استناد کرد چراکه در این زیارات، خطاب مستقیم به معصوم علیه السلام وارد شده، و این سبک خطاب جز با فرض حضور شنونده معنا ندارد. همانند «أشهد أنك

^{۵۲}. آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۱۴۳/۴

^{۵۳}. بحرالعلوم، مصابیح الأحکام، ۲۷۱/۲.

^{۵۴}. آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۱۴۳/۴؛ نراقی، مستند الشیعة، ۲۹۲/۲.

^{۵۵}. حمیری، قرب الإسناد، ۴۳.

^{۵۶}. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ۲۴۶/۱.

تسمع کلامی و ترد جوابی»^{۵۷} بنابراین، از نحوه‌ی زیارت می‌توان فهمید که اهل بیت علیهم السلام پس از وفات نیز به نوعی حاضر و ناظرند، و همین حضور روحانی، مستند حکم به احترام مشاهد مشرفه، حتی پس از وفات، قرار گرفته است.

از این رو گفته شده چنان‌که در زمان حیات امام، ورود به خانه‌های ایشان حرمت داشته، به طریق اولی می‌توان گفت که مشهد و حرم‌های آن بزرگواران که محل عبادت هستند، نیز همین حکم را دارند.^{۵۸}

شایان ذکر است اگرچه موضوع این روایات، جُنُب است، اما حکم منع را می‌توان به حائض نیز تعمیم داد. زیرا افزون بر اشتراک در حدث، حمل نجاست نیز در حائض وجود دارد. بنابراین، حتی در صورت انکار اولویت حرمت توقف حائض، اشتراک و ملازمه میان حکم جُنُب و حائض، حرمت توقّف زن حائض در مشاهد مشرفه را اثبات می‌کند.^{۵۹}

نقد و بررسی:

از دیدگاه نگارندگان استناد به این روایات برای اثبات حرمت توقف حائض در مشاهد مشرفه نیز از استحکام کافی برخوردار نیست زیرا

اولاً: دلالت روایات بر حکم ورود جُنُب به محضر معصوم، نهایتاً در حدّ کراهت است، نه حرمت الزامی.^{۶۰} به‌ویژه، تعبیر «لا ینبغي» در روایت بکر بن محمد ظهور در کراهت دارد، نه تحریم. افزون بر این، از برخی روایات دیگر استفاده می‌شود ورود عمدی ابوبصیر در حالت جنابت، با هدف آزمون امام و تقویت یقین صورت گرفته است؛ از این رو پاسخ امام علیه السلام، ناظر به هدایت رفتاری و ارشاد اخلاقی است، نه بیان حکم فقهی الزامی

عبدالله بن جعفر حمیری از ابوبصیر نقل می‌کند که ابوبصیر گفته است: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، در حالی که قصد داشتم ایشان همان نشانه‌هایی از امامت را به من نشان دهند که پیش‌تر امام باقر علیه السلام به من نمایانند. وقتی وارد شدم، در حال جنابت بودم. امام فرمودند: ای ابامحمد! چرا در حال جنابت بر من وارد شدی؟ گفتم: آگاهانه چنین کردم. فرمودند: مگر ایمان نیاورده‌ای؟ گفتم: چرا، اما خواستم دلم آرام گیرد. امام فرمودند: ای ابامحمد! برخیز و غسل کن. برخاستم، غسل کردم، و بازگشتم به جای خود نشستم. در همان هنگام با خود گفتم: بی‌تردید او امام است»^{۶۱}

آیت الله خویی در این باره می‌فرماید آنچه در موثقه یا روایت ابی بصیر وارد شده مبنی بر این‌که «جُنُب نباید وارد بیوت الأنبياء شود»، حتی اگر آن را با ادعای اشتراک حائض با جُنُب در احکام ضمیمه کنیم، باز هم نمی‌توان به این روایت برای اثبات مدعای

^{۵۷}. علم الهدی، رسائل الشریف المرتضی، ۴۰۷/۱.

^{۵۸}. موسوی سبزواری، مهذب الأحکام، ۳۶/۳.

^{۵۹}. علوی گرگانی، المناظر الناضرة في أحكام العترة الطاهرة (الطهارة)، ۵/۱۱۰ و موسوی سبزواری، مهذب الأحکام، ۲۲۱/۳ و نجفی، جواهر الکلام، ۲۲۱/۳.

^{۶۰}. آملی، مصباح الهدی في شرح العروة الوثقی، ۵۶/۵ و ۱۴۳/۴.

^{۶۱}. حرعاملی، وسائل الشیعه، ۲۱۲/۲.

فوق استناد کرد؛ زیرا این روایت در زمینه‌ی اعجاز صادر شده است، نه به قصد بیان حکم واقعی شرعی؛ به‌ویژه آن‌که ظاهر روایت نشان می‌دهد سائل در صدد آزمودن و دریافت معجزه بوده است، نه دریافت حکم فقهی.^{۶۲} علاوه بر این که اگر ورود جُنُب به خانه‌ی معصوم حرمت قطعی داشته باشد، اقدام ابوبصیر، مصداق تعمد بر ارتکاب حرام تلقی می‌شد؛ اما شأن علمی و تقوایی او، نشانگر آن است که وی این عمل را شرعاً حرام نمی‌دانسته است. در کلام امام نیز هیچ تصریحی بر حرمت دیده نمی‌شود؛ بلکه تنها تذکری اخلاقی بیان شده است.^{۶۳}

البته در روایتی به خشمگین شدن آن حضرت در برابر ابابصیر اشاره شده است.^{۶۴} اما به نظر می‌رسد حتی با چشم پوشی از ارسال و ضعف سند این روایت، خشم امام علیه‌السلام بر کراهت عمل دلالت دارد و به‌تنهایی نمی‌تواند مستند حرمت شرعی فعل واقع شده قرار گیرد؛ چرا که منشأ این غضب ممکن است نه خود فعل، بلکه نحوه انجام آن توسط فرد والا مقامی همچون ابوبصیر یا بی‌توجهی به آداب و شئون خاص ارتباط با امام معصوم باشد. از همین رو، استغفار ابوبصیر نیز لزوماً دلالت بر انجام فعل حرام ندارد، بلکه می‌توان آن را ناشی از دغدغه اخلاقی در برابر نارضایتی امام یا تخلف از اولویت‌های ارزشی غیرالزام‌آور دانست.

از سوی دیگر، روایات نشان می‌دهند که ابوبصیر به‌طور مکرر و به انگیزه‌های مختلفی همچون سرعت تشرف نزد امام علیه‌السلام و... به این کار اقدام کرده است و با توجه به جلالت و مقام او، این عمل با حرمت نمی‌سازد.^{۶۵} افزون بر این، اگر خانه‌های انبیاء و ائمه (علیهم‌السلام) در حرمت دخول یا توقف جُنُب و حائض، همچون مساجد بودند، با توجه به تعامل زیاد آنها با مردم، و مراجعه زنان و مردان برای پرسش از مسائل دینی، باید این حکم از زمان رسول اکرم (ص) به صورت گسترده اشتها یافته^{۶۶} و از بدیهیات شمرده می‌شد و این کار از سوی فردی همچون ابوبصیر که مکرر به منزل امام تردد می‌کرد، رخ نمی‌داد.

حتی اگر دلالت روایات بر حرمت را بپذیریم، دایره شمول آن مشاهد و مقابر را دربر نمی‌گیرد؛ زیرا عنوان «بیت» با «مقبره» و «مشهد» تفاوت دارد؛ چراکه در عرف، واژه‌ی «مقبره» و «مشهد» به هیچ‌وجه به عنوان «بیت علی (علیه‌السلام)» یا «بیت الحسین (علیه‌السلام)» یا سایر ائمه (علیهم‌السلام) اطلاق نمی‌شود.^{۶۷} از این رو گفته شده تسری حکم از بیوت به قبور قیاس است.^{۶۸}

^{۶۲}. خوئی، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئی، ۳۵۵/۷.

^{۶۳}. بحر العلوم، مصابیح الأحکام، ۲۷۱/۲.

^{۶۴}. کشی، اختیار معرفة الرجال، ۳۹۹/۱.

^{۶۵}. طباطبایی حکیم، مصباح المنهاج (الطهارة)، ۴۱۸/۳.

^{۶۶}. حائری، شرح العروة الوثقی، ۲۵۳/۴.

^{۶۷}. خوئی، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئی، ۳۵۵/۷.

^{۶۸}. همدانی، مصباح الفقیه، ۳۱۷/۳.

همچنین نمی‌توان بعضی از احکام «بیوت» انبیاء و امامان، مانند وجوب استئذان، را بر این مشاهد مترتب دانست.^{۶۹} بنابراین، لازم است به تفکیک و تمایز میان این عناوین توجه شود.

به دیگر سخن حتی اگر دلالت بر حرمت را نیز بپذیریم، نمی‌توان حکم خانه‌های اهل بیت در زمان حیاتشان را به مشاهد بعد از وفات ایشان تعمیم داد. اگر هم بخواهیم از قاعده‌ی «حرمتهم أمواتاً کحرمتهم أحياء بل اعظم»^{۷۰} استفاده کنیم، نتیجه‌ی آن فقط حرمت دخول به خانه‌ی ایشان بعد از وفاتشان است، نه حرمت دخول به مشاهدی که بعداً برای زیارت بنا شده‌اند.^{۷۱} با این‌همه، ممکن است کسی ادعا کند که مراد از «دخول در بیوت آنان» در روایات، مطلق حضور نزد آنان است، چه در خانه‌های ایشان و چه در هر مکان دیگری که به‌نحوی به آنان انتساب دارد..

در پاسخ به این سخن می‌گوییم شماری از روایات بر عدم حرمت دلالت دارند؛ از جمله روایت معروف دیدار حذیفه یمانی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که در آن آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه یکی از اصحاب خود را ملاقات می‌کرد، دست محبت بر او می‌کشید و برایش دعا می‌فرمود. در یکی از این ملاقات‌ها، حذیفه یمانی در حالی که جُنُب بود، آن حضرت را دید و از مسیرش کناره گرفت. پس از آن نزد پیامبر آمد و حضرت به او فرمود: «چرا از من کناره گرفتی؟» حذیفه پاسخ داد: «جُنُب بودم و بیم داشتم که بدنم با شما تماس پیدا کند». پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمودند: «إِنَّ الْمُسْلِمَ لَا يَنْجَسُ»^{۷۲} مسلمان، ذاتاً نجس نیست. از کتب روایی شیعی می‌توان بدست آورد حضرت تشویق کردند که به او دست بدهد زیرا در این کتب در ادامه حدیث آمده است حضرت به او فرمودند ای حذیفه دستم را به سمت تو دراز کردم اما تو دست خودت را از من بازنگه داشتی حذیفه گفت من جُنُب بودم دوست نداشتم که در حالیکه جُنُب هستم دستم، دست شما را لمس کند. حضرت در پاسخ او فرمودند آیا نمی‌دانی مسلمانان زمانی که به یکدیگر برخورد کنند و مصافحه انجام دهند گناهان آنها فرومی‌ریزد. هم‌اگونه که برگ درختان می‌ریزد.^{۷۳} در روایت دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله دست فرد جُنُب را گرفتند و با او راه رفتند تا آن‌که نشستند. سپس او از نزد پیامبر کنار رفت و پس از آن غسل کرد.^{۷۴} چنین روایتی، نه تنها مانع بودن حالت جنابت برای حضور نزد معصوم را نفی می‌کند، بلکه نشان‌دهنده آن است که طهارت از حدث شرط لازم برای تشریف یا مراوده با پیامبر و امام نیست.^{۷۵}

^{۶۹}. طباطبایی حکیم، مصباح المنهاج (الطهارة)، ۴۱۸/۳.

^{۷۰}. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵)، کتاب الطهارة، ۵۹۰/۲.

^{۷۱}. آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۱۴۳/۴.

^{۷۲}. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ۱۷۸/۱.

^{۷۳}. کلینی، الکافی، ۱۸۳/۲.

^{۷۴}. بخاری، صحیح البخاری، ۶۵/۱.

^{۷۵}. بحرالعلوم، مصابیح الأحکام، ۲۶۷/۲.

همچنین نقل های متعدد روایی حاکی از حضور مکرر معصومان علیهم السلام در حَمَام های عمومی است؛^{۷۶} مکان هایی که به طور طبیعی محل تردد افراد جُنُب نیز بوده است. با این حال، هیچ گزارشی دال بر منع جُنُب از ورود یا الزام به خروج در حضور ایشان وجود ندارد. به عنوان نمونه، در روایت ابو بصیر، امام صادق علیه السلام در برابر پیشنهاد تخلیه حَمَام برای ایشان تصریح می فرماید: «نیازی به این کار نیست، مؤمن آسان گیرتر از این است.»^{۷۷} که به روشنی از فقدان الزام به پرهیز دیگران از حضور در کنار معصوم، حتی در چنین فضاهایی حکایت دارد.

روایت جابر جعفی درباره ی اعرابی، حتی با کنار گذاشتن ضعف سند و انگیزه ی امتحان، دلالتی بر حرمت حضور جُنُب نزد معصوم ندارد؛ چراکه توبیخ امام، ناظر به منشأ حرام جنابت (استمناء) بوده، نه صرف حالت جنابت یا ورود نزد معصوم در چنین حالتی. از این رو، محتوای روایت ناظر به نکوهش اخلاقی است، نه اثبات یک حکم فقهی عام^{۷۸}.

بر اساس نقل جابر، «اعرابی ای به سوی مدینه آمد، و چون نزدیک مدینه رسید، دست به استمناء زد. سپس در حالی که جُنُب بود، بر امام حسین علیه السلام وارد شد. امام علیه السلام به او فرمود: ای اعرابی! آیا شرم نداری که در حالی که جُنُب هستی، نزد امام خویش وارد می شوی؟ شما اعراب، هنگامی که خلوت می کنید، دست به چنین کاری می زنید!» اعرابی پاسخ داد: «حاجتم را از این دیدار گرفتم»، سپس از نزد امام خارج شد، غسل کرد و بازگشت، و آنگاه از آنچه در دل داشت پرسش کرد.^{۷۹} بنابراین، مجموعه این روایات و اخبار، دلالتی تام و صریح بر حرمت دخول جُنُب به مشاهد مشرفه ندارد و از همین رو، شماری از فقها در این مسئله به کراهت، توقف و احتیاط فتوا داده اند.

علاوه بر اینکه ضعف سندی روایات مانعه، به تنهایی برای تضعیف استدلال به آن ها برای اثبات حرمت کفایت می کند؛ به ویژه آن که هیچ گونه جبرانی از ناحیه عمل مشهور قدمای اصحاب نسبت به آن ها صورت نگرفته است. بلکه قدما از آن اعراض کردند و فقیهان قرن ها نسبت به نگارش این روایات در کتب خود و فتوی به آنها سکوت کردند و همین مقدار نیز برای حصول اطمینان به عدم ثبوت مفاد این روایات و ترک استناد به آن ها - حتی در فرض تمامیت دلالت آن ها به طور مستقل - کفایت می کند. مرحوم نراقی پس از ذکر روایت اعرابی می نگارد از آن می توان به ضعف سند و عدم دلالت بر حرمت پاسخ داد. علاوه بر اینکه بیوت ائمه علیهم السلام غالباً از حائض، نفساء و جنب خالی نبوده است. بله به خاطر آنچه گذشت شکی در کراهت نیست.^{۸۰}

بنابراین بر اساس تعمیم مبنای قاعده تسامح در ادله سنن، با توجه به ضعف سندی روایات، می توان آنها را بر کراهت حمل نمود.^{۸۱}

^{۷۶}. کلینی، الکافی، ۵۰۸/۶.

^{۷۷}. کلینی، الکافی، ۵۰۳/۶.

^{۷۸}. بحرالعلوم، مصابیح الأحکام، ۲۷۲/۲.

^{۷۹}. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ۲۴۶/۱.

^{۸۰}. نراقی، مستند الشیعة، ۲۹۲/۲.

^{۸۱}. خونی، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئی، ۳۵۵/۷.

ثانیاً: حتی در صورت پذیرش الحاق مشاهد به مساجد درباره جُنُب، تعمیم آن به حائض و اشتراک احکام این دو نیاز به دلیل دارد و از دیدگاه نگارندگان نمی‌توان آن را به حائض تعمیم داد؛ زیرا تعمیم و الحاق حائض به جُنُب در این حکم، نوعی قیاس است، و از آن‌رو که قیاس در استنباط احکام شرعی در مکتب اهل بیت (ع) مردود است،^{۸۲} چنین استدلالی فاقد اعتبار خواهد بود.

افزون بر این، اگر بخواهیم از عموم «حدث» (حالت ناپاکی) برای جمع میان جُنُب و حائض استفاده کنیم، باز هم این استنباط بدون پشتوانه‌ی نص معتبر یا دلیل مستقل، کافی نخواهد بود. زیرا عمومیت عنوان «حدث» به تنهایی، برای توسعه دایره‌ی حکم شرعی دلیل محسوب نمی‌شود، مگر آن‌که بر پایه‌ی قرینه معتبر و مستدل فقهی باشد.

در حالیکه قرینه بر خلاف آن وجود دارد زیرا خانه‌های پیامبر و امامان علیهم‌السلام در زمان حیات ایشان، محل زندگی اعضای خانواده، فرزندان، زنان و کنیزان بوده، به صورت طبیعی در برخی اوقات در حال حیض به سر می‌بردند. در حالیکه در هیچ روایت معتبری، نهی مطلق از ورود حائض به محضر ایشان یا امر به خروج از خانه ایشان در ایام حیض نیامده است. روشن است که اگر صرف حالت حیض یا جنابت در جوار معصوم، مصداق هتک حرمت محسوب می‌شد، حکم آن باید نسبت به همه افراد و در همه مکان‌ها - اعم از منزل، راه، حمام یا در سفر - جاری می‌بود. حتی اگر آن مکان از مساکن اختصاصی ایشان نباشد. زیرا حرمت مساکن تابع احترام ایشان است و تعظیم آن‌ها از توابع تعظیم ذوات مقدسه است. پس نباید هیچ حائض و جُنُبی در هیچ حالتی، نزد ایشان حاضر شود. این در حالی است که سیره قطعی معصومان، خلاف این را ثابت می‌کند. و گزارش‌های متعددی مبنی بر حضور زنان در همان خانه‌ها در ایام حیض نقل شده است.

از جمله در کتاب من لایحضره الفقیه از حلی از امام صادق (ع) از پدرش آمده است که: می‌مونه می‌گفت: پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله به من دستور می‌داد که وقتی حائض هستم، با لباسی خود را بپوشانم، سپس در همان بستر با او دراز می‌کشیدم.^{۸۳}

در صحیح ابن عمار نیز از امام صادق (ع) چنین نقل شده است: از آن حضرت درباره زنی که در حالت حیض به مرد آب بدهد، سؤال شد. فرمودند: بعضی از زنان پیامبر (ص) در حالت حیض، برای او آب می‌ریختند و حتی سجاده به او می‌دادند.^{۸۴} در روایت دیگری آمده است امام باقر علیه‌السلام به یکی از همسرانشان فرمودند: «سجاده را بیاور تا بر آن سجده کنم»، او پاسخ داد: «من حائضم»، حضرت فرمود: «آیا حیضت در دست توست؟»^{۸۵}

این دسته از روایات، به روشنی گواهی می‌دهند که زنان پیامبر (ص) و ائمه معصومین در ایام حیض در خانه ایشان، که نزدیک مسجد بود، می‌ماندند و با اعضای خانواده تعامل داشتند. از این‌رو، قیاس وضعیت حائض با جُنُب در حرمت ورود به مشاهد مشرفه بی‌وجه است.^{۸۶}

^{۸۲}. برقی، المحاسن، ۲۱۴/۱.

^{۸۳}. صدوق، من لایحضره الفقیه، ۹۹/۱.

^{۸۴}. کلینی، الکافی، ۱۱۰/۳.

^{۸۵}. صدوق، من لایحضره الفقیه، ۶۷/۱؛ برقی، المحاسن، ۳۱۷/۲.

^{۸۶}. آملی، مصباح‌الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۵۸/۵.

از سوی دیگر تخصیص حرمت توقف در اماکن مقدس به سایر زنان، و استثنای اهل بیت، بسیار بعید و برخلاف برخی روایات است.^{۸۷}

براساس مطالب پیش گفته، استناد به قاعده‌ی «حرمتهم أمواتاً کحرمتهم أحياء» برای اثبات حرمت دخول حائض به مشاهد مشرفه، با اشکال اساسی روبه‌روست. زیرا اگر اصل حرمت ورود جُنُب یا حائض در زمان حیات معصومان باطل باشد، به طریق اولی، فرع مترتب بر آن - یعنی حرمت ورود به مشاهد پس از وفات - نیز ساقط خواهد بود. در نتیجه، تمسک به این قاعده نمی‌تواند مبنای معتبری برای اثبات حرمت ورود حائض به حرم‌های مطهر باشد، به‌ویژه در فرضی که منع شرعی در زمان حیات معصومان نسبت به زنان حائض، هرگز اعمال نشده است.^{۸۸}

افزون بر اینکه اصل این قاعده ثابت نشده و هیچ دلیل و نص صریحی بر تنزیل بدن‌های شریف معصومان پس از وفات، به منزله بدن‌هایشان در حال حیات دنیوی وجود ندارد. آنچه در این باب مطرح شده، مستند به نص صریحی نیست. به جز روایتی از پیامبر اکرم (ص) درباره زیارت ایشان که فرمودند «هر کس قبر مرا پس از مرگم زیارت کند، مانند کسی است که در زمان حیاتم به سوی من هجرت کرده است؛ و اگر نتوانستید، به من سلام برسانید که همانا به من می‌رسد.»^{۸۹} البته به نظر می‌رسد این روایت، حتی در کیفیت و چگونگی زیارت نیز بر عمومیت تشبیه دلالت ندارد. بلکه، تشبیه مذکور در روایت صرفاً از جهت درک ثواب و پاداش است، به ویژه با قرینه جمله «فابعثوا إلیّ بالسلام فإنّه یبلغنی» که بر دریافت سلام از راه دور تأکید می‌کند.^{۹۰}

شایان ذکر است اگر در بحث ورود جُنُب به مشاهد، قائل به عدم الحاق مشاهد به مسجد شویم، در موضوع حاضر - یعنی دخول حائض - حکم روشن‌تر خواهد بود؛ زیرا وقتی ورود جُنُب به این اماکن حرام نباشد، به طریق اولی، ورود حائض نیز حرام نخواهد بود. چراکه روایات ناظر به منع دخول، تنها درباره جُنُب وارد شده‌اند، نه حائض اما اگر در مورد جُنُب، قائل به الحاق مشاهد به مساجد شده باشیم، باز هم نمی‌توان این حکم را درباره حائض تسری داد. دلیل آن این است که از روایات، نهایتاً فقط در خصوص عبور (اجتياز) از مساجد، حکم واحدی برای جُنُب و حائض استفاده می‌شود، و هیچ دلیلی برای وحدت حکم آن دو در مورد مشاهد مشرفه وجود ندارد.^{۹۱}

^{۸۷}. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۳۸۰/۲؛ بیهقی، السنن الکبری، ۵۷۰/۲؛ ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ۱۰۸/۴۵.

^{۸۸}. بحرالعلوم، مصابیح الأحکام، ۲۷۰/۲.

^{۸۹}. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ۱۴.

^{۹۰}. حائری، شرح العروة الوثقی، ۲۵۳/۴.

^{۹۱}. خوئی، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئی، ۳۴۵/۷.

براساس برخی نقدهای پیشین، آیت الله خوئی فرموده اند ممکن است حالت جنابت دارای ویژگی خاصی باشد که موجب حرمت ورود جُنب به مشاهد مشرفه شده است. بنابراین نمی‌توان حکم آن را به حائض نیز تعمیم داد. البته، احتیاط مستحب آن است که حائض نیز از دخول به این اماکن خودداری کند.^{۹۲}

۵/۲. سیره‌ی مستمر متشرعه

امامیه براساس ارتکاز عرفی، مشاهد مشرفه را همچون مساجد می‌دانند لذا همواره میان مؤمنان و حتی عموم مردم، پرهیز از دخول در مشاهد اهل بیت در حالت جنابت و حیض، عرفاً و عملاً رایج بوده است؛ به گونه‌ای که این امر نه تنها نزد خواص، بلکه نزد عوام نیز شناخته شده است.^{۹۳} و با توجه به تایید ائمه علیهم السلام این سیره و ارتکاز حجت می‌باشد.

نقد و بررسی:

اولاً یقین داریم سیره اصحاب زمان حیات پیامبر و ائمه علیهم السلام اینگونه نبوده است، زنان حائض در اطراف ائمه و پیامبر حاضر بودند و امام آنها را نهی نمی‌کردند.^{۹۴}

ثانیاً: از دیدگاه نگارندگان، اگرچه در دوران کنونی این سیره قطعی است، اما در صورتی حجت است که احراز شود در زمان ائمه نیز شیعیان از حضور در حرم و مشاهد مشرفه امامان پیشین، در صورت حیض اجتناب می‌نمودند در حالیکه احراز این امر امکان ندارد. بنابراین سیره کنونی حجت نیست و دلالتی بر حرمت شرعی ندارد. به ویژه آن که همین سیره نسبت به ورود بی وضو نیز جریان دارد. بدین معنا که برخی صرفاً به دلیل وضو نداشتن از ورود و توقف در حرم های اهل بیت علیهم السلام اجتناب می‌کنند.^{۹۵} روشن است که این عملی که از روی ادب و احترام است را نمی‌توان مبنای حکم تکلیفی حرمت قرار داد.

۳. بازنگری مفاد ادله حرمت توقف

گرچه فقها ادله پیش گفته را برای اثبات انگاره‌ی جواز عبور و حرمت توقف حائض در مشاهد مشرفه اقامه کرده‌اند و در این نوشتار، هر یک از آن ادله به طور مستقل نقد و رد شد، با این حال، در فرض قوی دانستن و پذیرش ادله حرمت، باید مشاهد مشرفه را ملحق به مسجد الحرام و مسجد النبی دانست؛ در این صورت، نه تنها توقف، بلکه عبور زنان حائض نیز از آنها حرام خواهد بود.

مبنای این الحاق، علاوه بر مقتضای احتیاط، ظاهر روایات پیش گفته است که در آنها از اصل دخول جُنب به بیوت انبیاء، نهی شده است. همچنین مناط نهی از ورود جُنب و حائض به آن دو مسجد، قداست، شرافت و تعظیم آنها است؛ و این ویژگی عرفاً در مشاهد نیز وجود دارد. از این رو، حکم حرمت مطلق ورود- گرچه به نحو عبور- به آنها نیز سرایت می‌یابد.

^{۹۲}. خوئی، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئی، ۳/۴۵۷.

^{۹۳}. آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۴/۱۴۳.

^{۹۴}. بحرالعلوم، مصابیح الأحکام، ۲/۲۶۷.

^{۹۵}. آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۴/۱۴۴.

شایان ذکر است رواق‌ها و فضاها پیرامونی مشاهد مشرفه، اصطلاحاً داخل در عنوان «مشاهد» به شمار نمی‌آیند، و از این رو، دلیلی شرعی بر منع ورود حائض به آن‌ها وجود ندارد. از سوی دیگر آنچه در روایات وارد شده، مربوط به «بیت الأنبياء» است، و «دار» نیز مفهومی عام‌تر از «بیت» دارد، از این رو اطلاق «بیت» شامل رواق شریف نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان از این روایات برای اثبات حکم حرمت استفاده کرد و توقف حائض در رواق‌ها، فاقد اشکال است.

البته اگر حائض با نیت و قصد توهین وارد حرم، رواق و روضه منوره شود، در این صورت، ورود و توقف وی بدون تردید حرام خواهد بود؛ زیرا حرمت هتک حرمت معصومان علیهم السلام از ضروریات دین به شمار می‌رود^{۹۶}. در چنین مواردی، نیت اهانت، موجب تبدیل اصل عمل به رفتاری حرام شرعی می‌گردد، چه در حائض و چه غیر او.

نتیجه‌گیری

برخی از فقیهان معاصر با الحاق مشاهد مشرفه به حکم مساجد، فتوا به حرمت ورود و توقف حائض در این اماکن داده‌اند. تعبیر «الإلحاق» در کلام ایشان حاکی از آن است که نصی خاص در این باره وجود ندارد و فقیه با تکیه بر قیاس یا توسعه حکم، در صدد تسری آن به مشاهد مشرفه برآمده است.

با بررسی آرای فقهی، روشن می‌شود حرمت ورود و توقف حائض، علاوه بر ندرت قائل نزد قدما، مخالف با اصل «عدم حرمت» است. افزون بر این، ادله‌ی ارائه‌شده در تأیید این حکم، از حیث سند یا دلالت، دچار ضعف بوده و فاقد اعتبار فقهی لازم‌اند. از این رو، نمی‌توان حکم به حرمت ورود یا توقف حائض در مشاهد مشرفه را پذیرفت.

با وجود این، می‌توان پذیرفت برخی از این ادله، قابلیت اثبات کراهت توقف حائض در مشاهد مشرفه را دارند.

منابع:

قرآن کریم

۱. آل عصفور، حسین. سداد العباد ورشاد العباد. قم: محلاتی. چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۲. آملی، محمد تقی. مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی. بی جا: بی نا. چاپ اول، ۱۳۸۴ ق.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد. دعائم الإسلام. قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام). چاپ دوم، ۱۳۸۳ ق.
۴. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی. سنن ابن ماجه. بی جا: دار إحياء الكتب العربية. بی تا.
۵. ابن حنبل، احمد. مسند الامام احمد بن حنبل. بیروت: موسسه الرسالة. ۱۴۲۱ ق.
۶. اصفهانی، سید ابوالحسن. وسیلة النجاة. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.

^{۹۶} خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸)، موسوعة الإمام الخوئی، ۳/ ۴۵۷.

٧. اردبيلي، احمد. مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، بى تا.
٨. انصارى، مرتضى. كتاب الطهارة. قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري. چاپ اول، ١٤١٥ق.
٩. بحراني، يوسف. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، چاپ اول، ١٣٦٣ش.
١٠. بحرالعلوم، محمد مهدي. مصابيح الأحكام. قم: ميثم التمار. چاپ اول، ١٣٨٥ش.
١١. بخارى، محمد بن إسماعيل. صحيح البخاري. بيروت: دار طوق النجاة. ١٤٢٢ق.
١٢. برقي، احمد بن محمد. المحاسن. قم: دار الكتب الإسلامية. بى تا.
١٣. بيهقي، احمد بن حسين. السنن الكبرى. بيروت: دار الكتب العلمية. ١٤٢٤ق.
١٤. تبريزي، جواد. تنقيح مباني العروة (الطهارة). قم: دار الصديقة الشهيدة. چاپ دوم، ١٤٢٩ق.
١٥. حائري، مرتضى. شرح العروة الوثقى. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية. چاپ اول، ١٤٢٥ق.
١٦. حرعالملى، محمد بن حسن. وسائل الشيعة. قم: مؤسسه مؤسسة آل البيت (عليهم السلام). چاپ سوم، ١٤١٦ق.
١٧. حميرى، عبد الله بن جعفر. قرب الإسناد. قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام). چاپ اول، ١٣٧١ش.
١٨. خوئي، سيد ابوالقاسم. موسوعة الإمام الخوئي. قم: مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي. چاپ اول، ١٤١٨ق.
١٩. سند، محمد. سند العروة الوثقى (الطهارة). قم: صحفى. چاپ اول، ١٤١٥ق.
٢٠. شبيري زنجاني، سيد موسى. استفتاءات. قم: مركز فقهى امام محمد باقر عليه السلام. چاپ اول، ١٣٩٦ق.
٢١. شلال، خضر. ابواب الجنان و بشارت الرضوان. بى جا: مؤسسه عاشورا، چاپ اول، بى تا.
٢٢. شهيد اول، محمد بن مكى. موسوعة الشهيد الأول. قم: مكتب الاعلام الاسلامي في الحوزة العلمية. چاپ اول، ١٤٣٠ق.
٢٣. شهيد ثاني، زين الدين. روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان. قم: بوستان كتاب. چاپ اول، ١٣٨٠ش.
٢٤. شهيد ثاني، زين الدين. المقاصد العلية في شرح الرسالة الألفية. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى. چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٢٥. شيخ صدوق، محمد بن على. من لا يحضره الفقيه. قم: جامعه مدرسين. چاپ دوم، ١٣٦٣ش.
٢٦. شيخ صدوق، محمد بن على. الهداية [في الأصول و الفروع]. قم: مؤسسه امام هادى عليه السلام. چاپ اول، ١٤١٨ق.

۲۷. طباطبائی حکیم، محمد سعید. مصباح المنهاج (الطهارة). بی جا: مؤسسة المنار. چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۸. طباطبائی قمی، سید تقی. مبانی منهاج الصالحین، قم: قلم الشرق. چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۲۹. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم. عروة الوثقی. قم: موسسه السبطين. ۱۳۸۸
۳۰. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم. عروة الوثقی (تعليقة آیت الله فاضل). قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار (عليهم السلام). چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۳۱. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم. عروة الوثقی (تعليقة آیت الله مکارم). قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام. چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۳۲. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم. عروة الوثقی (تعليقة آیت الله موسوی اردبیلی). قم: جامعة المفید. چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ اول، ۱۳۶۵ش.
۳۴. علم الهدی، علی بن حسین. رسائل الشریف المرتضی (جوابات المسائل الطرابلسیات الثالثة). قم: دار القرآن الکریم. چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۳۵. علوی گرگانی، سید محمد علی. المناظر الناضرة في أحكام العترة الطاهرة (الطهارة). قم: فقیه اهل بیت (عليهم السلام). چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
۳۶. فاضل مقداد. تنقیح الرائع لمختصر الشرائع. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۳۷. فیاض، محمد اسحاق. تعالیک مبسوطه علی العروة الوثقی. قم: محلاتی. چاپ اول، بی تا.
۳۸. قطب راوندی، سعید. الخرائج و الجرائح. قم: موسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. چاپ اول، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۹. کاشف الغطاء، جعفر. شرح طهارة القواعد. نجف: مؤسسة کاشف الغطاء العامة. چاپ اول، بی تا.
۴۰. کشی، محمد بن عمر. اختیار معرفة الرجال. قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام). چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ پنجم، ۱۳۶۳ش.
۴۲. گرامی قمی، محمد علی. المعلقات علی العروة الوثقی. قم: توحید. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۴۳. همدانی، رضا. مصباح الفقیه. قم: المؤسسة الجعفرية لاهیاء التراث. چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۴۴. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین. منهاج المومنین. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۴۵. محقق داماد، سید محمد. کتاب الصلاة. قم: جامعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. النشر الإسلامی. چاپ اول، بی تا.

٤٦. مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربي. چاپ اول، ١٤٠٣.
٤٧. مفید، محمد. أحكام النساء. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد. چاپ اول، ١٤١٣ق.
٤٨. مفید، محمد. المقنعه. قم: جامعه مدرسين، چاپ دوم، ١٤١٠ق.
٤٩. محقق سبزواری، محمد باقر. ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد. مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث. چاپ اول، بی تا.
٥٠. موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی. مهذب الأحكام في بيان الحلال و الحرام. قم: السيد عبد الاعلی السبزواری. چاپ چهارم، ١٤١٣ق.
٥١. موسوی عاملی، محمد. مدارک الاحکام في شرح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام). چاپ دوم، ١٤١١ق.
٥٢. نجفی، محمد حسن. جواهر الكلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربي. چاپ هفتم، بی تا.
٥٣. نراقی، احمد. مستند الشيعة في أحكام الشريعة. قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث. چاپ اول، ١٤١٥ق.
٥٤. وحید خراسانی، حسین. توضیح المسائل. قم: مدرسه الامام باقرالعلوم علیه السلام. چاپ نهم، ١٣٨٦ش.